

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

بهرام رحمانی
۳۱ دسمبر ۲۰۱۹

کلاف رنگارنگ طنز

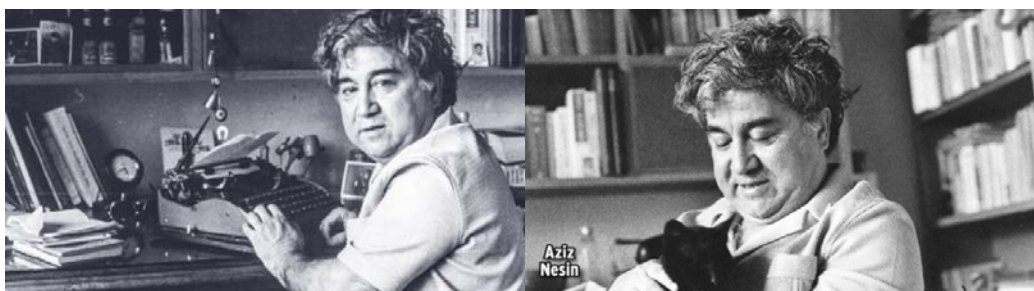
در گرامیداشت صدمین سالگرد تولد عزیز نسین

سرسخن مترجم

عزیز نسین Aziz Nesin ، که نامش در شناسنامه محمت نصرت Mehmet Nusret آمده، نویسنده و طنزپرداز بزرگ ترکیه است که آثارش به بیش از ۳۰ زبان مختلف ترجمه شده است.

وی در تاریخ ۲۰ دسمبر سال ۱۹۱۵ زاده شد. نسین پس از تحصیلات عمومی، وارد دانشکده افسری شد، اما پسینتر از ارتش کناره گرفت و از کسوت نظامی‌گری بیرون آمد. نسین، افسر کارشناسی در رشته هندازگری (مهندسی) ساختمان بود.

وی پس از این دوره، به کارهای مختلفی مانند روزنامه فروشی، کتاب فروشی، عکاسی و حسابداری روی آورد، اما دست آخر به نویسندگی پرداخت. نسین، سردبیری چند گاهنامه طنز را بر عهده داشت. قلمرو کار او، طنز سیاسی بود. دیدگاه‌های سیاسی اش، در دوره‌های مختلف، او را گرفتار زندان کرد.



عزیز نسین، در سال ۱۹۴۶، فعالیت ادبی‌اش را با انتشار نشریه فکاهی «مارکو پاشا» با همکاری نویسنده‌ای به‌نام «صباح‌تین علی» آغاز کرد. او و صباح‌تین علی را بارها به اتهام توهین به حاکمیت و توهین به مقدسات «ملی» به زندان انداختند.

او حدود دو سال بعد، روزنامه‌نگاری را کنار گذاشت و به سبک داستان‌نویسی طنز روی آورد. داستان‌ها و رمان‌های او با زبانی ساده و هم‌فهم نوشته شده‌اند و از طنز و انتقاد گزنده سیاسی برخوردارند. در آثار او، ماجراهای تلخ و شیرینی که با زندگی روزانه مردم پیوند دارد، درهم آمیخته‌اند. سانسور و سرکوب، فساد دولتی و اداری، قانون‌های

احمقانه و سرکوبگر، نبود آزادی‌های جامعه مدنی، استبداد دینی، ناسیونالیسم و لیبرالیسم، خرافه، جهالت و انتقاد از نظامی‌گری در آثار عزیز نسین جایگاه ویژه‌ای دارند.

داستان‌های عزیز نسین، اغلب به صورت جداگانه و بیرون از مجموعه‌های منتشر شده خود، و گاه به صورت کتاب انتشار یافته‌اند.

نسین، در چارچوب داستان‌نویسی طنز و در شعرها و دیگر نوشته‌های خود، انتقادهای ژرف و تند خود را با زبان گزنده طنز و با مهارت‌های ادبی هرچه تمام‌تر بیان می‌کرد. از همینرو، عزیز نسین یکی از چهره‌های نامدار ادبی جهان است که نوشته‌های طنز او در بیشتر کشورهای منطقه و اروپا هواداران بی‌شماری دارد.

با وجود همه تهدیدات حکومتی و غیرحکومتی، عزیز نسین به انتقادهای خود علیه نابرابری و تبعیض، ستم و سانسور، فقر و محرومیت و استثمار، همچنان با قدرت و شهامت ادامه داد و هرگز مرعوب فضای اختناق نشد. جالب است که او به دلیل شکایت وزارت امور خارجه ایران، به دلیل آنچه توهین به شاهنشاه ایران خوانده شد، ۶ ماه دچار حبس شد. او در آثارش جهل و نادانی را با طنز به تصویر کشیده و در همه این طنزها نیز، بر اندیشیدن که زیربنای روشنگری است، تاکید می‌کند. کتاب «بچه‌های امروز معرکه‌اند» در دهه ۱۹۶۰ چاپ شد و پس از آن هم، بیش از ۴۰ بار در ترکیه چاپ شد. این کتاب، یک اثر تربیتی است و وضعیت آن روز ترکیه را به انتقاد می‌گیرد.

این کتاب که با رویکردی انتقادی، نظام آموزشی و تربیتی کودکان و نوجوانان ترکیه را در دهه‌های نخستین قرن بیستم به سخره می‌گیرد، این اثر، در بستر نامه‌نگاری دو دانش‌آموز ترک روایت می‌شود. پدر یکی از آنان بنا بر مأموریتی که دارد، به شهر دیگری منتقل شده و از همینرو، این دو دانش‌آموز از هم دور افتاده‌اند. آنان با یکدیگر قرار می‌گذارند که اتفاق‌های مربوط به مدرسه و دوستان‌شان را برای یکدیگر روایت کنند.

عزیز نسین در این کتاب، به انتقاد از نظام آموزشی جامعه خود و به انتقاد از شیوه‌های نادرست تربیتی خانواده‌ها می‌پردازد. کتاب در حالی که از جاذبه و کشش لازم برخوردار است، به گونه‌ای ژرف، عبرت‌آموز و پندآموز است. همان‌گونه که نویسنده خود باور دارد، این کتاب نه تنها برای بچه‌ها که برای بزرگسالان نیز، خواندنی است.

در این کتاب کودکان به نقد پدر و مادر و آموزگارشان می‌پردازند. در این کتاب کودکان در برابر بزرگترها به دفاع از خود و حقوق‌شان می‌پردازند.

به این ترتیب، طنز عزیز نسین نه تنها عرصه‌های مختلف جامعه را به نقد می‌کشد، بلکه بدیل اجتماعی و فرهنگی خود را نیز به جامعه ارائه می‌دهد و به همین دلیل، روشنگری می‌کند.

بسیاری از آثار وی، به تبعیض و نابرابری‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در جامعه و حاکمیت وقت ترکیه اختصاص دارند. وی موفق شد در رشته طنز ادبی دوبار جایزه بین‌المللی طنز ایتالیا را از آن خود کند. نسین، برای نخستین بار در مسابقه بزرگی میان طنزنویسان ۱۲۷ کشور با داستان «حمدی فیل» در ایتالیا شرکت کرد و جایزه «شاخه طلا» به او تعلق گرفت. با شرکت در مسابقات بعدی، آوازه‌اش نخست در برون مرز و پس از آن در ترکیه پیچید.

از نسین، بیش از دو هزار داستان به جای مانده است که به زبان‌های مختلف و به بیش از ۳۰ زبان ترجمه شده‌اند و از میان آن‌ها می‌توان به کتاب‌های «پخمه»، «مگر تو کشور شما خر نیست»، «مرد خورآئی (شرقی)»، «ما مردم تقلیدگری هستیم»، «پاداش پایان سال»، «برابر مقررات»، «بچه‌های آخر زمان»، «آلپر (شارلاتان)»، «گروهک کرامت و گروهک سلامت»، «دلتان می‌خواهید میلیونر شوید»، «بیماری پانید (مرض قند)»، «مهرورزی آتشین»،

«زن و سواسی»، «ارزش بزرگواری»، «کلاه دامادی»، «داماد سرخانه»، «عروس محله»، «گردن کلفت»، «یک خارجی در استانبول»، و ... اشاره کرد.

بسیاری از داستان‌های کوتاه عزیز نسین را ثمین باغچه‌بان، احمد شاملو، رضا همراه و صمد بهرنگی به فارسی برگردانده‌اند. برای نمونه: «به طرف اسفل السافلین» که ثمین باغچه‌بان ترجمه کرده و شاملو در بخش‌هایی از ترجمه کتاب همکاری داشته است.

عزیز نسین در سال ۱۹۷۲، نهادی تاسیس کرد و نام آن را «بنیاد نسین» گذاشت که کار آن کمک به کودکان کار و خیابانی بود؛ کودکانی که به خاطر فقر و محرومیت، حتی نمی‌توانستند تحصیل کنند. این بنیاد از بدو تاسیس به هزاران کودک آواره یاری کرده تا بتوانند تحصیل کنند و از آینده بهتری برخوردار باشند.

عزیز نسین، در سال‌های پایانی عمر نیز آرامش نداشت. در سال‌های پایانی عمر نسین، موج تعصب، بنیادگرایی و بربریت اسلامی در سراسر جهان، به ویژه در خاورمیانه، بالا گرفت. این پدیده شوم، به ترکیه نیز رسید و در نتیجه، نویسندگان آزادی‌خواه، حقیقت‌جو و آزاد اندیشی مانند عزیز نسین، مردم را به پایداری در برابر این هیولا دعوت کردند. پس از انتشار فتوای روح‌الله خمینی، بیان‌گذار حکومت اسلامی ایران و دستور ترور سلمان رشدی به خاطر انتشار کتاب «آیات شیطانی»، عزیز نسین بخشی از کتاب سلمان رشدی را ترجمه و منتشر کرد. برخی از محفل‌های اسلامی در ترکیه، به «ارتداد» عزیز نسین حکم دادند و فتوای قتل او را صادر کردند. چندی بعد که طنزنویس نامدار برای شرکت در جمع نویسندگان آزادی‌خواه و برابری طلب به شهر سیواس رفته بود، شماری از افراد متعصب و وحشی اسلامی، روز دوم ژوئیه ۱۹۹۳ پس از مراسم نماز جمعه، به هتل محل اقامت او حمله بردند و ساختمان را به آتش کشیدند. در این ماجرا نسین جان سالم به در برد، اما ۳۷ دانشجو، هنرمند و نویسنده، زنده زنده در آتش جهل و نادانی سوختند.

خمینی، کمی پیش‌تر از این تاریخ نیز فتوای قتل زندانیان سیاسی در زندان‌های ایران را صادر کرده بود و ماموران او، در مدت کوتاهی چندین هزار زندانی سیاسی را به دست جوخه‌های مرگ سپردند و حتی جنازه کشته شدگان را مخفیانه در جاهای نامعلومی دفن کردند که هنوز هم کسی از آن خبر ندارد و بازماندگان آنان نیز، نمی‌دانند که عزیزانشان پس از اعدام، در کجاها دفن شده‌اند! نسین، پس از فتوای مرگ خمینی علیه رشدی بود که گفت: این عمل را در وهله نخست برای دفاع از آزادی بیان و عقیده انجام داده است. اما محافل اسلامی این عمل را تحمل نکردند و حکم ارتداد و دستور قتل عزیز نسین را صادر کردند.

نقد وضع موجود، از ویژگی‌های مهم روشنفکران پیشرو و مردمی به شمار می‌آید؛ روشن‌اندیشان درمندی که از راه قلم و زبان و سخن خود، به ایفای نقش خود می‌پردازند. عزیز نسین نیز با توجه به زمینه و دورانی که در آن می‌زیست، زبان طنز را برای ترسیم نابسامانی‌های جامعه خود انتخاب کرده بود. وی در دو عرصه متفاوت، اما به هم پیوسته، عمل می‌کرد. این دو عرصه عبارتند از: سیاست، فرهنگ و جامعه. آغاز کار نویسندگی نسین، همزمان بود با دوره تک‌حزبی و خفقان پان‌ترکیسم و آتاتورکیسم در ترکیه.

البته، تأثیرهای جنگ جهانی دوم در اروپا، در اندک زمانی در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی ترکیه تأثیر گذاشت. تأثیر و تحول‌های این مرحله، نتایج جنگ و اقدامات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در داخل ترکیه، باعث واکنش‌های منفی علیه دولت وقت در بخش‌های مختلف جامعه شد. در چنین شرایطی، طبیعی بود که نسین، به دگرگونی‌های سیاسی واکنش نشان دهد و البته هزینه آن را نیز آگاهانه بپردازد.

مثلاً در سال ۱۹۴۷ با نوشتن و انتشار مقاله‌ای تحت عنوان «به کجا می‌رویم» از سیاست‌های امریکا در قبال ترکیه انتقاد کرد و نزدیک یک سال را در حبس گذراند. در سال ۱۹۵۰، هم به‌دلیل ترجمه متنی مارکسیستی به ۱۶ ماه زندان محکوم شد. این نمونه‌ها حاکی از آن است که عزیز نسین، همچون یک روزنامه‌نگار و طنزپرداز جدی در آن زمان، به چه میزان به اندیشه‌های پیشرو و انتقادی نظر داشته و قلم خود را در چه مسیری به کار گرفته است.

عرصه دومی که عزیز نسین در آن نقش روشنفکرانه و آگاه‌گرانه‌اش را ایفا کرد، نقد مداوم سیاسی و اجتماعی بود که ماندگارترین اثرهای او نیز در همین حوزه آفریده شدند. وی با بهره‌گیری دقیق و به‌جا از داستان و با استفاده از زبان طنز و شوخی که در بنیاد، نمایش‌گر و بیان‌گر دردها و رنج‌ها و خواسته‌های جامعه‌اش بود، به مسایل مربوط به زندگی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی می‌پرداخت.

عزیز نسین، بیش از ۲۰۰ پرونده دادرسی سیاسی داشت، پنج سال زندانی کشید و جز شاکیان حکومتی کشورش، شاهان مصر و ایران و ملکه انگلیس هم از او به بهانه «توهین به مقام جلیل سلطنت» شکایت کردند. شهرت عزیز نسین به ترکیه محدود نماند. آثار او در سراسر جهان، و بیشتر در کشورهایی که شرایطی مشابه ترکیه داشتند، هواداران و خواستاران فراوانی یافت. چندین بار جوایز بین‌المللی «بهترین طنزنویس سال» به نسین تعلق گرفت.

پس از «رضا همراه» کسانی مانند صمد بهرنگی، احمد شاملو، رضا سیدحسینی، قدیر گلکاریان و چند مترجم دیگر، برگردان‌های بهتری از آثار عزیز نسین ارائه دادند. اما این برگردان‌ها، اشکال‌های جدی دارند. البته در این میان، نباید نقش سانسورچیان را نیز در لت و پار کردن ترجمه، نادیده گرفت. در دهه ۱۳۷۰ ثمین باغچه‌بان، که ترکی را خوب می‌دانست و با عزیز نسین نیز دوستی داشت، ترجمه‌هایی خوب از کتاب‌های طنزنویس ترک عرضه کرد. زندگی‌نامه خود نوشت عزیز نسین را خاتم ژاله صمدی به فارسی برگردانده و در اینترنت نیز، موجود است.

دوستان‌اران ادبیات در سراسر جهان، عزیز نسین را طنزنویسی بزرگ می‌شناسند. اما طنز و بذله‌گویی نسین، بیشتر از سایر فعالیت‌های ادبی و هنری وی معروف هستند. از این رو، سایر کارهای ادبی وی، همچون نمایشنامه‌ها و شعرهایش، چنان که بایسته و درخور هستند، شناخته نشده‌اند. با این حال، نمایشنامه‌های عزیز نسین، بارها تا امروز به روی صحنه تئاتر رفته‌اند و شعرهای وی نیز، به نظر منتقدان، از بهترین نمونه‌های شعر مدرن ترکیه هستند.

عزیز نسین بعد از سوزاندن شعرهایش، تا سال ۱۹۶۵ هیچ شعری نسرود. اما پس از آن، وقتی که به عنوان نویسنده طنز و فکاهی شهرت زیادی پیدا کرده بود، شعر بار دیگر جای خود را در زندگی عزیز نسین باز کرد. از عزیز نسین، حدود ده کتاب شعر به یادگار مانده است.

برخی از شعرهای نسین در سال‌های گذشته، با کوشش مژگان دولت‌آبادی، رسول یونان، سیامک تقی‌زاده و دیگران به زبان فارسی منتشر شده‌اند.

عزیز نسین نویسنده‌ای پرکار و در عین حال پرترفدار بود. در درازای زندگی بیش از صد کتاب داستان و شعر و نمایشنامه منتشر کرد. نثر او، یکی از زیباترین و روان‌ترین جلوه‌های زبان ترکی است که زبان ادبی را تا حد ممکن، به شادابی و سرزندگی زبان مردم نزدیک کرده است.

عزیز نسین با فروتنی، پرکاری خود را به ضرورت امرار معاش نسبت داده و گفته است: «مردم تعجب می‌کنند که تا حالا بیش از دوهزار داستان نوشته‌ام. اما این که تعجب ندارد. اگر خانواده‌ام به جای ده نفر، بیست نفر بودند، مجبور می‌شدم بیش‌تر از چهار هزار داستان بنویسم.»

نسین در سال ۱۹۷۲ نهادی را به نام «بنیاد نسین» پایه گذاشت و وظیفه آن را یاری به کودکانی دانست که به دلیل فقر و محرومیت به تحصیلات مناسب دسترسی ندارند. از آن زمان «بنیاد نسین» به هزاران کودک بی پناه و خیابانی کمک کرده است تا جایگاهی شایسته در جامعه پیدا کنند.

عزیز نسین، در آثار خود تناقض‌ها و تعارض‌ها و نابسامانی‌های تمامی اقشار مختلف جامعه خود را در گوشه و کنار ترکیه بازتاب می‌دهد. وی سانسور و سرکوب، فقر و محرومیت، فشارها، بی‌عدالتی‌ها و ستم‌هایی را که بر کارگران و محرومان و اقشار پائین اجتماع روا داشته شده، با طنزی تلخ و انتقادی نقد می‌کند و به تعبیر استعاری خودش، زندگی روزانه مردم را با تعبیری شوخ طبعانه و عامه فهم منعکس می‌کند. کاری بس بزرگ و روشنگرانه و بیدارگرانه! او نه تنها حاکمیت را عمیقاً مورد انتقاد همه‌جانبه قرار می‌دهد، بلکه در عین حال، از توده و یا مردم پرستی نیز دوری می‌جوید. گاهی لبه تیز انتقادهایش را متوجه فرد فرد جامعه کرده، نقایص و جنبه‌های منفی آنان را نیز نشان می‌دهد.

به هر روی، بهره‌گیری عزیز نسین از طنز انتقادی برای نشان‌دادن واقعیت‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه خود، که می‌توانسته در هر جامعه دیگری نیز جریان پیدا کند، علاوه بر این که جنبه مؤثری به سبک و هنر او بخشیده، کار و فعالیت پیگیر و بی‌وقفه روشنفکری او را نیز سامان داده است.

تردیدی نیست که عزیز نسین روشنفکری سکولار و سوسیالیست بود و خود نیز هرگز منکر باورهایش نشد. از این نظر، درباره او سخنان بسیاری گفته شده است، اما هیچ کس درباره صداقت و انسان دوستی او تردیدی روا نداشته است؛ چرا که او چنان زیست که باورش و اندیشه‌اش بود.

اما عزیز، با وجود فشارهای زیاد سانسور و زندان و شکنجه و فقر، هرگز از نقد حاکمیت، سیستم سرمایه‌داری، ناسیونالیسم و مذهب دست نکشید و هرگز در برابر همه جنجال‌ها و هیاهوها و تهدیدهای حاکمیت و مذهب‌پو و ناسونالیست‌ها، کوتاه نیامد و ترسی به خود راه نداد.

عزیز نسین در سال‌های پایانی عمر پربار خود، به مبارزه روزافزون با آنچه که نادانی و افراطی‌گری دینی و سانسور می‌خواند، پرداخت. وی به آزادی بیان و به حق انتقاد بدون چشم‌پوشی از اسلام معتقد بود. بعد از صدور فتوای آیت‌الله خمینی بنیان‌گذار حکومت اسلامی ایران برای قتل سلمان رشدی، نسین ترجمه کتاب آیات شیطانی به زبان ترکی را آغاز کرد. این مهم، منجر به مورد هدف قرار گرفتن وی از سوی گروه‌های افراطی اسلامی شد. در سال ۱۹۹۳، مذهب‌پو هتل محل اقامت او و نویسندگان و هنرمندانی که از نقاط دیگر ترکیه به شهر سیواس آمده بودند تا در جشنواره سالانه عاشیق‌لار، شرکت کنند، آتش زدند. بنا به گزارش روزنامه حریت، عزیز نسین مترجم آیات شیطانی ضمن سخنرانی اظهار داشت: «... من موافق درستی حرف‌های پیر سلطان که در ۴۰۰ سال قبل زده است، نیستم. همچنین معتقدم که سخنان مولوی که در ۷۰۰ سال قبل زده شده است، دیگر امروز کاربردی ندارد. بدین ترتیب به چه چیز قرآن که در هزار سال قبل نوشته شده، می‌توانم ایمان داشته باشم. من مسلمان نیستم. حتی بی‌دینم. قرآن باید متناسب با عصر ما عوض شود، ما نیز باید نسبت به وضعیت خود، چیزی بنویسیم.» (روزنامه حریت، چاپ ترکیه، ۳ ژوئیه ۱۹۹۳)

همچنین روزنامه ملیت نیز گزارش داد: «پس از اقامه نماز جمعه در سیواس، شماری از نمازگزاران در جلوی استانداری و مرکز فرهنگی گرد آمده و به جشنواره و عزیز نسین اعتراض کردند. طی این حوادث ۴۰ نفر کشته، ۱۴۵ نفر زخمی شدند. تظاهر کنندگان، هتل محل اقامت عزیز نسین و همراهان او را به آتش کشیدند... و مردم گفتند: زنده باد شریعت. مسؤولان عزیز نسین را در حالی که از شدت دود و آتش در وضعیت بدی بود، به وسیله نردبان نجات دادند و از محل حادثه دور کردند... وزیر کشور به همراه شماری از مقامات امنیتی بلندپایه، با هواپیمای اختصاصی به سیواس رفته و از نزدیک حوادث را پیگیری کردند. اعلام شد که ۱۰۰ هزار نفر در این حوادث شرکت داشته‌اند. رئیس

بیمارستان دولتی سیواس نیز، در مصاحبه‌ای اعلام نمود که ۷ کشته و ۵ زخمی به بیمارستان ما آورده‌اند که همگی با گلوله زخمی شده‌اند.» (روزنامه ملیت، چاپ ترکیه، ۳ ژوئیه ۱۳۹۳)

در واقع، موضوع طنزهای عزیز نسین، ماجراهای تلخ و شیرینی است که با زندگی مردم سر و کار دارند. طنز نسین، ساده و در عین حال تلخ و گزنده است و چندان پیچیدگی ندارد. به همین دلیل، داستان‌های او، دست به دست و دهان و دهان می‌چرخند. نوشته‌های طنز این نویسنده، حاشیه‌های بی‌ربط و خودمحوربینی و کسل‌کننده ندارند و به همین دلیل، به راحتی با مخاطب ارتباط برقرار می‌کنند.

طنزهای این نویسنده معروف جهانی، ترجمه‌پذیر هستند، اما در ترجمه فارسی آن‌ها اشکال‌های زیادی وجود دارند: برای نمونه، «کودتا» را «انقلاب» ترجمه کرده‌اند. یا آنقدر خواسته‌اند ترجمه برای فارسی‌زبانان ملموس باشد که از متن اصلی دور شده‌اند.

گاردین، ۲۳ ژوئن ۲۰۱۷، در گزارشی درباره ترجمه کتاب در ایران، نوشته است:

«اگر جی. دی سلینجر قفسه کتاب‌فروشی‌های ایران را می‌دید، در گورش می‌لرزید. «جنگل واژگون» رمان کوتاه ۱۹۴۷ سلینجر که نیم‌قرن پیش، جلوی انتشار مجددش در آمریکا گرفته شد، در اغلب کتاب‌فروشی‌های ایران به فارسی قابل تهیه است...»

انتشار «جنگل واژگون» به پارسی، تنها یک نمونه از صحنه شلوغ، پیچیده و در عین حال شگفت‌انگیز ترجمه در ایران است که به خاطر کوتاهی در پیوستن به پیمان پرن یا کپی‌رایت، تضعیف شده است. نویسندگان ایرانی که اثرشان را در کشور خودشان منتشر کنند، حمایت‌هایی تحت قوانین ملی دارند، اما کار نویسندگانی که خارج از ایران منتشر شود، کاملاً بدون محافظت است. به نوشته «تهران تایمز» یک مترجم ایرانی، حق کپی‌رایت ترجمه رمان ۲۰۱۷ پائولا هاوکینز، «درون آب»، را گرفت، ولی حداقل پنج نفر دیگر در حال رقابت برای ترجمه آن هستند.

یک نمونه دیگر: «و کوهستان طنین انداخت» خالد حسینی، حداقل توسط ۱۶ نفر به فارسی ترجمه شده است. اخیراً ارسال فصحی، مترجم اورهان پاموک نویسنده ترک، هشدار داده این مسأله می‌تواند «فروپاشی ادبیات فارسی» را به دنبال داشته باشد، زیرا بر کیفیت ترجمه‌ها تأثیر می‌گذارد.

بنابراین، هم سانسور دولتی و هم خودسانسوری مترجم و هم سانسور اخلاقی، دست به دست هم داده‌اند تا کتاب‌ها را از مضمون و محتوای اصلی خود خالی کنند. اما عامل اصلی این وضعیت در ایران و همچنین اندک و ناچیز بودن تیراژ مثلاً ۳۵۰ نسخه‌ای کتاب برای هشتاد میلیون جمعیت، حکومت اسلامی ایران و ماشین سانسور آن است که مانع بزرگ ترجمه‌های جدی و دقیق می‌باشد. روشن است که این روند از دید فرهنگی و روشنگری برای امروز و فردای جامعه ایران، به ویژه برای نیروی جوان این سرزمین، بسیار فاجعه بار و خطرناک است.

باری، رمان «لقب» (۱۹۷۶) به یقین یکی از اثرهای برجسته عزیز نسین است. در این رمان قرار است محکومی را در ملاء عام به دار بیاویزند. مانند این است که یک جشن خیابانی با شکوه برگزار می‌شود. محکوم به اعدام یک بزه‌کار ولگرد است که بدبختی و فقر و نکبت او را به آدمکشی واداشته است. عزیز نسین از چند زاویه دید، فضا را به ما نشان می‌دهد و چند زبان مختلف را برای بیان این داستان به کار می‌گیرد. زبان تاریخی با زبان مردم کوچه و بازار می‌آمیزد و همه چیز در خدمت شخصیت اصلی قرار می‌گیرد که محکوم به اعدام است.

نسین در این کتاب از طنز گزنده‌ای استفاده می‌کند و می‌خواهد خشونت یک جامعه در حال رشد را نشان دهد که بر اساس تبعیض اجتماعی بنا شده است. می‌خواهد متجدد باشد، اما در همان حال در بند اخلاقیات ارتجاعی و پوسیده گیر کرده و عمیقاً هم ریاکار و محافظه‌کار است. در این اثر، خشونت که در جامعه وجود دارد، تنها از راه وصف صحنه

اعدام نشان داده نمی‌شود. بیش از هر چیز، در زبان است که این خشونت برجسته‌تر شده و عمومیت می‌یابد. عزیز نسین با انتشار این اثر، مرزهای ملی و باورهای مذهبی و خرافی را پشت سر گذاشت و به ادبیات جهانی راه پیدا کرد. شاید یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای علمی و نوآورانه عزیز نسین این باشد که زبان پیچیده و فرسوده ادبی را که دست‌وپا گیر بود، کنار گذاشت و زبان ساده مردم را برگزید و در عین حال از سرچشمه سرشار ادبیات نیز، غافل نماند. همین دو نوآوری بزرگ بود که عزیز نسین را در سه مسابقه بزرگ جهانی و در میان ۷۵ کشور برجسته کرد و جایگاه نخست داستان‌نویسی طنز را از آن خود کرد. اما راهی که نسین طی کرد، چندان ساده نبود و خطرها و مانع‌های زیادی سر راهش قرار داشتند و اگر چه او را بارها زندانی کردند، اما او باز هم نوشت. جایزه‌هایی که عزیز نسین دریافت کرده است، عبارتند از:

- ۱۹۵۶، نخل طلا، جایزه مسابقه بین‌المللی طنز در ایتالیا برای داستان «حمدی فیل».

- ۱۹۵۷، نخل طلا، جایزه مسابقه بین‌المللی طنز در ایتالیا برای داستان «کیابیای دیگ».

- ۱۹۶۶، خارپشت طلایی، جایزه مسابقه بین‌المللی طنز در بلغارستان.

عزیز، نوآوری پیشرو، نویسنده‌ای چیره‌دست و حرفه‌ای بود که با ساده نویسی و پشتکاری کم سابقه و برداشت ژرفی که نیازمند طنزنویسی است، داستان‌هایش را با شیوه‌ای تازه و رنگارنگ و گوناگون به جامعه عرضه می‌کرد. به همین دلیل، هنوز هم که هنوز است، داستان‌های عزیز نسین، دلچسب و خواندنی هستند! وی تا آخر عمرش از مبارزه برابری طلبانه و آزادی خواهانه سوسیالیستی خود، دست نکشید و تا پایان زندگانی، به عنوان نویسنده کارگران و محرومان و ستم دیدگان همچنان باقی ماند.

عزیز نسین در ۶ ژوئیه ۱۹۹۵، دو سال و ۴ روز پس از فاجعه سیواس، پس از یک جلسه کتاب خوانی در شهر «ازمیر» با ایست قلبی درگذشت. وی در وصیت نامه‌ای که از خود به جای گذاشته، قید کرده است که به هیچ دینی باورمند نیست و لذا به تشریفات و مراسم خاکسپاری اسلامی نیاز ندارد. پیکر نسین به خواست خودش در گوری بی نام، در روستای کودکان به خاک سپرده شد.

عزیز نسین، یکی از بهترین طنزنویسان و در سراسر جهان خوانندگان فراوانی داشته و دارد. نام او با طنز تلخ ژرف و انتقادی مترادف شده است. از زادروز نویسنده بزرگ و نامی صد سال و از مرگ او بیست سال است که گذشته است. در کتابی که به زودی منتشر می‌شود، گلچینی از طنزهای عزیز نسین و نیز شعرهای او را خواهید خواند. شاید برخی از خوانندگان در دوران جوانی خود، داستان‌ها و شعرهای نسین را خوانده باشند، اما امروز هم خواندن این داستان‌ها جذاب و آموزنده‌اند و در عین حال، انگار حال و روز امروزی جامعه ما را به نقد و تصویر می‌کشند. از دوست عزیزم، فریار اسدیان شاعر که با حوصله و با دقت این کتاب را خوانده و ملاحظه‌هایش را وارد کرده است، بی نهایت سپاسگزارم.

بهرام رحمانی

دسمبر ۲۰۱۹